

بنام خدا

مقدمه

نقدی که بر کتاب دکتر بنی مهد وارد است این است که پژوهش های رویدادی را مورد توجه قرار نداده اند. برای رفع این مورد می توانید مقاله دکتر محمد حسین قائمی را تحت عنوان مروری بر روش شناسی پژوهش های رویدادی مطالعه کنید.

مقاله دیگری تحت عنوان اشتباهات رایج در پژوهش های حسابداری است که توسط دکتر بنی مهد نوشته شده است و لازم است آنرا مورد مطالعه قرار دهید.

مقاله کارآیی روش های آماری در رویداد پژوهی است که توسط دکتر قائمی نوشته شده است.

مقاله اهمیت خطاها در حسابداری از منظر اطلاعات نوشته دکتر ویدا مجتهدزاده نیز بایستی مورد مطالعه قرار گیرد.

در این جلسه مقاله "واکاوی و نقد روش شناسی پژوهش های تجربی مالی و حسابداری در ایران" که توسط آقای احمد بدری نوشته شده است را مورد بررسی قرار می دهیم.

تفاوت روش و روش شناسی

در ابتدا فرق روش و روش شناسی و متد و متدلوژی را بررسی می کنیم. در روش تحقیق، تکنیک و یا رویه ای که آن تحقیق، فرضیه را مورد آزمون قرار می دهد هست یا به عبارتی رویه ای که فرضیه را به اثبات می رساند. روش شناسی کاملتر و جامع تر است. اینکه جامعه دقیقا از چه کسانی تشکیل شده است. نمونه چگونه انتخاب شده است. ویژگیهای آنها چیست و شامل روش هم می شود. روش شناسی یعنی روش رسیدن شما به درک حقیقت. ضمنا در بخش سوم مقاله بهتر است از عبارت روش تحقیق استفاده شود. البته بین مجلات در استفاده از این عبارت در بخش سوم مقاله اختلاف نظر وجود دارد. ولی عمدتا با روش تحقیق در بخش سوم مقاله موافقت.

تفاوت تحقیقات تجربی با سایر تحقیقات

در تحقیقات تجربی بایستی از طریق حواس پنجگانه یا مشاهده یا استقرا بتوانید آنرا انجام دهید. در روش تحقیق از این حواس بایستی استفاده شود و در آن می توانید از اطلاعات گذشته و حال استفاده نمایید.

محورهای چالشی در روش شناسی تحقیقات تجربی حسابداری و مالی

اکثر نظریه پردازان صاحب نام مالی، دانش آموخته رشته اقتصاد مالی بوده اند. پس از جدایی رشته مالی از اقتصاد، در ابتدای امر استادان رشته مالی از اساتید رشته اقتصاد مالی بودند. به همین ترتیب تحقیقات مالی را راهنمایی و راهبری می کردند. بهمین خاطر روش شناسی تحقیقات تجربی مالی با راهنمایی اساتید اقتصاد اثباتی شروع شد. عمدتا اقتصاددانان راهبری تحقیقات مالی را به عهده داشتند و با توجه به فرضیات خودشان مثل فرضیه بازارکارآ و ... داشتن چنین زمینه هایی تحقیقات مالی را انجام می دادند.

در ایران رشته حسابداری و مالی زیر مجموعه رشته مدیریت بوده است. برای تایید و بیان این موضوع می توان استفاده از واژه مدیریت مالی به جای مالی را که بیانگر نگرش به این رشته است را از مجرای مدیریت به خوبی مشاهده کرد. در ایران رشته های مدیریت تحقیقات مالی را راهبری می کردند.

لازم است حسابداران تحقیقات را بر اساس روش شناسی مبتنی بر تئوری های حسابداری انجام دهند.

ایشان محورهای چالشی در روش شناسی تحقیقات تجربی حسابداری و مالی را در ده محور بیان کرده اند که به ترتیب هریک را بیان می کنیم و نقدهایی خودمان را بر اساس مطالبی که ایشان ارائه کرده اند انجام می دهیم.

۱- عدم لزوم فرضیه سازی

فرضیه در سوال تحقیق و مدل تحقیق مستتر است پس نیازی به تکرار آن نیست.

در بعضی از تحقیقات امکان ساختن فرضیه نیست فقط بایستی سوال را مطرح کرد.

اگر در جایی محقق مبتنی بر چارچوب نظری رابطه ای را رابطه ای جهت دار اعلام نماید لازم است فرضیه سازی کند.

رابطه همزمانی X ها با یکدیگر بر روی Y در نظر گرفته نمی شود. تحقیقات تجربی با استفاده از مدل های رگرسیونی صورت می گیرد. نمی گوید X_1 در این مدل با Y همبستگی دارد و بیان نمی کند که همزمان با آن چه متغیرهایی وجود داشته است که این همبستگی را داشته است. لازم است مطرح شود که در چه شرایطی این دو متغیر با هم ارتباط دارند. با توجه به این شرایط اگر فرضیه مطرح نشود مناسبتر است.

۲- تاکید بر واژه "نمونه گیری" نادرست است

آمارگران معتقدند در نمونه گیری حتما بایستی از روش های خاص آمار استفاده شود. در صورت عدم استفاده از آن روش ها استفاده از واژه نمونه گیری صحیح نیست. وقت از فیلترهای غیرمعمول در علم آمار برای انتخاب جامعه استفاده می کنیم مجاز نیستیم از واژه نمونه گیری استفاده کنیم.

با توجه به فناوری های جدید و در دسترس بودن تمام اطلاعات خیلی استفاده از نمونه گیری قابل قبول نیست.

۳- بیان کردن "نوع تحقیق" صحیح نیست

هر پژوهشگری با خواندن تحقیق متوجه نوع آن می شود. و نکته ای که لازم است به آن توجه کنیم اینکه تحقیقات تجربی اصولا کاربردی نیست، عمدتا بنیادی و از نوع توسعه ای هست.

۴- چارچوب پروپوزال ها نامناسب و عاریتی است

موارد تکراری با تیرهای متفاوت در پروپوزال قابل مشاهده است. مدل مفهومی در تحقیقات تجربی مورد نیاز نیست که در پروپوزال ها دیده می شود.

۵- عدم ضرورت پیشنهاد به استفاده کنندگان

استفاده کنندگان خودشان نیاز خودشان را می شناسند و به دنبال آن هستند و نیازی به بیان در تحقیق نیست. ممکن است نتیجه تحقیق شما عده ای را گمراه کند و تبعات بعد از آن که ممکن است قابل جبران نباشد. باید به قضاوت استفاده کنندگان آنرا واگذار نماییم. بعلاوه به

خاطر مشکلاتی که در داده‌ها ممکن است باشد و سایر موارد. پژوهش‌های تجربی اثباتی هستند و از طرفی کارکرد علم اثباتی تجویز و توصیه نیست.

لازم به ذکر است پیشنهاد برای تحقیقات آتی مفید است.

۶- مفهوم نوآوری مرزبندی نشده است

لازم است یک متغیر جدید در سطح دنیا مطرح شود. یک روش و یا یک مدل جدید بیان شود.

۷- نظام کارآمدی برای کنترل کیفیت وجود ندارد

۸- پر حجم

جامع و مانع باشد.

۹- فقدان مرزبندی روش‌شناسی پژوهش‌های تجربی در حوزه مالی و حسابداری

۱۰- عدم توجه به تحقیقات غیراثباتی

عدم مقبولیت از طرف مجلات و نشریات باعث شده کمتر محققانی به دنبال تحقیقات غیراثباتی باشند.

نقد مقاله و کاستی‌های آن

هنگام تشکیل یک علم بایستی ابتدا مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی مشخص شود و سپس به روش‌شناسی بپردازیم. کاری که در این مقاله صورت نگرفته است. در واقع به سه پیش‌نیاز توجه نشده است. چون خیلی از اشکالات روش‌شناسی ناشی از عدم توجه به سه پیش‌نیاز گفته شده است.

هدف‌های حسابداری اشتباه تعریف شده است که روش‌شناسی‌ها هم دچار مشکل است. در این رابطه می‌توانید مقاله دکتر ثقفی با نام "تئوری‌های هنجاری پلی بین واقعیت و حسابداری" را مطالعه فرمایید. در این مقاله اعلام می‌کند که علمی نیست در صورتیکه فقط تأکید بر اثبات کند، اگر چنین باشد ناقص است. تئوری‌های هنجاری لازمه علم حسابداری هستند. هنجاری یعنی توصیه و تجویز و این یعنی عدم اثبات. حسابداری فقط اثبات نیست. در این مقاله آمده است که علوم انسانی بر مبنای غایت تعریف می‌شوند یعنی بر اساس هدف‌نهایی تعریف می‌شوند. هدف تعریف شده در حسابداری یعنی "گزارش اطلاعات مفید برای استفاده‌کنندگان جهت تصمیم‌گیری" در حال حاضر صحیح نیست. اینکه در تعریف حسابداری استفاده‌کننده اقتصادی مطرح است نشان دهنده این است که مرجع اقتصاد است. در تمام چارچوب‌های نظری هدف غایی حسابداری مفهومی اقتصادی دارد و این هدف بر اساس مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اقتصاد تعریف شده است.

پاسخگویی هدف غایی حسابداری

آقای دکتر ثقفی در مقاله خود هدفی را تحت عنوان "پاسخگویی" تعریف می‌کند. چنانکه توجه کنید **accounting** و **accountability** ریشه‌ای یکسان دارند. در فارسی عبارت حسابداری هم حول این مفاهیم وجود دارد. چون این عبارت سنگ بنای علم حسابداری است لازم است که بیشتر مورد توجه قرار گیرد زیرا مانند خشت اولی است که بایستی به درستی در جایگاه خود قرار گیرد. اگر سنگ اولیه به خوبی در

جایگاه خود قرار نگیرد کارکرد آن رشته علمی کاملا متفاوت با ماهیت اصلی آن عمل خواهد کرد. در حال حاضر چون مبنا را اطلاعات مفید برای تصمیمات اقتصادی تعریف کرده اند پس کارکرد کاملا متفاوت از آن چیزی است که باید باشد (پاسخگویی).

اگر با دید پاسخگویی به حسابداری بنگریم، کاربرد و مفاهیم و گزارشات را هم می توانیم بر اساس آن تعریف نماییم. یکی از ابعاد پاسخگویی می تواند ارائه اطلاعات مفید باشد که بعنوان زیر مجموعه پاسخگویی است. در حالیکه در حال حاضر این زیر مجموعه در تعریف حسابداری بعنوان عامل اصلی آمده است. وقتی نیاز برای انسان بر مبنای هستی شناسی و معرفت شناسی مشخصی تعریف شود پاسخگویی وی نیز بر همان مبنا مفهوم خاص خود را پیدا می کند. در غرب تا حدی در این راستا گام هایی در غالب حسابداری سبز، پاسخگویی به جامعه، حسابداری محیط زیست و حسابداری منابع انسانی برداشته است ولی موضوعی که قابل توجه است اینکه هدفی که در غرب تعریف شده کامل به نظر نمی رسد و دلیل آن نیز عدم تعریف درست از هدف غایی است. در غالب مفاهیم اسلامی فلسفه معاد نیز پاسخگویی است که از این دیدگاه نیز می توان به این اصل از اصول دین توجهی با این زاویه دید داشت. اعتقاد به معاد باعث نگرش پاسخگویی به جامعه و نهایت خداوند خواهد بود. با این دیدگاه پاسخگویی یک اصل است و حسابداری هم ابزاری برای اجرای این اصل است. برای اثبات این اصل محدودیت هایی در روش های علمی داریم زیرا تا کنون روش شناسی ها بر مبنای معرفت شناسی هایی انجام شده که هدفی مغایر با اهداف ما داشته اند و یافتن راهی برای انتقال این مطلب به سایرین نیازمند روش شناسی صحیح و قابل قبولی هست که از طرف جامعه علمی قابل پذیرش باشد. اگر روزی بتوانیم این امر را ثابت کنیم بعنوان یک رشته مستقل و اصلی شناخته خواهیم شد.